



اشاره: خانواده به منزله مهم‌ترین واحد تشکیل‌دهنده جامعه همواره سهم مهمی در گفتمان‌های فکری و اجتماعی داشته است. تمام ادیان الهی و غیرالهی درباره خانواده احکام و تعالیم مشخصی دارند و همچنین یکی از ارکان اسطوره‌های تاریخی خویشاوندی، خانواده است.

ورود مدرنیته به ایران علاوه بر تأثیرات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی که بر جامعه نهاد، ساختار و روابط درون خانواده را نیز تغییر داد. تأثیر مدرنیته بر خانواده ایرانی در ۲۰ بعد کار کردی و ساختاری قابل توجه است. در بعد ساختاری، تبدیل خانواده گسترده به هسته‌ای و تشکیل الگوهای جدید خانواده همچون خانواده «تک‌والد»، خانوارهای «تکنفره»، «هم‌خانگی» و... از جمله تغییرات به وجود آمده است. در بعد کار کردی نیز برخی کارکردهای خانواده به نهادهای اجتماعی واگذار شده است. گرچه مدرنیته تبعات مثبتی نیز داشته است اما تبعات منفی آن از جمله افزایش آسیب‌های اجتماعی همچون طلاق، تأخیر سن ازدواج، روابط خارج از چارچوب و... به حدی است که بر سایر تبعاتش سایه می‌اندازد. به‌طور مثال اگرچه تحت تأثیر مدرنیته، بسیاری از سنت‌های غلط و دست و پاگیر از میان رفته‌اند، در عین حال بازاندیشی متزاید (خصیصه مدرنیته) در سنت‌ها و قوانین به نفعی و انکار سازدها و ساختارهای شرعی و عرفی منجر شده است. نتیجه نفی مطلق سنت‌ها، ایجاد شکاف بین ۲ نسل و کاهش اقتدار خانواده و نظارت والدین بر زندگی فرزندان شده است. این آزادی، به همراه طیف گسترده انتخاب‌هایی که مدرنیته عرضه می‌کند، موجب انتخاب سبک‌های جدید و متنوع زندگی، بدون توجه به عواقب آن در طولانی‌مدت شده است. یکی از این سبک‌های جدید، «ازدواج سفید» یا «هم‌خانگی» است که اخیراً در کلانشهرهایی چون تهران رواج یافته است. ازدواج سفید عبارت است از زندگی مشترک زن و مرد بدون عقد رسمی. افرادی که به این نوع ازدواج تن می‌دهند، به دلایل مختلف اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی تمایلی به ازدواج قانونی و رسمی ندارند و این شیوه را به طور موقت یا دائم برای ارضای نیازهای جنسی و عاطفی انتخابی می‌کنند.

■ زمینه‌های پیدایش هم‌خانگی در غرب
ازدواج سفید مانند بسیاری از مسائل اجتماعی، مولود تمدن غرب است و درک درست آن، تنها با بررسی زمینه‌ها و خاستگاه شکل‌گیری آن میسر می‌شود. در غرب از حدود قرن هفدهم و هجدهم، ماهیت ازدواج دستخوش دگرگونی شد. به تدریج ازدواج کمتر به عنوان اقدامی مقدس شناخته شد و تبدیل به یک قرارداد شد. این تحول تا حدودی از اصلاح‌طلبی دینی ناشی می‌شد که تصور تقدس ازدواج را انکار می‌کرد. به این ترتیب با آغاز اصلاحات دینی، مفهوم ازدواج به تدریج تغییر یافت. بعد از این دوره که عده‌ای آن را «مدرنیته دوم» نامیده‌اند، ازدواج تبدیل به وصلت بین ۲ نفر- و نه ۲ خانواده- شد که هدف و کارکرد اصلی آن ارضای عاطفی و جنسی زوجین بود. به این ترتیب حمایت‌های خویشاوندی و سنتی کم‌رنگ شد و تصمیم و ترجیح ۲ فرد محوریت یافت. بعد از وقوع انقلاب جنسی در دهه ۱۹۶۰، هنجارها و نگرش‌های مربوط به رفتار جنسی در جامعه غرب، به‌طور کلی متحول شد. این رویداد، با اسطوره‌زدایی از روابط جنسی، آن را به امری عادی و معمولی تبدیل کرد که در راحتی دست‌یافتنی است. این امر زمینه را برای پیدایش الگوهای جدید هم‌خانگی که پیش از این در همه کشورها، امری نادر، غیرعادی و حتی مشمول مجازات بود مهیا کرد.

در دوره‌های اولیه پیدایش هم‌خانگی غالباً افراد فقیری که توانایی ازدواج نداشتند وارد اینگونه روابط می‌شدند و مشکلات اقتصادی یکی از مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری آن بود. عده‌ای دیگر نیز به سبب مشکلات بعد از جدایی یا مرگ شریک زندگی خود وارد این روابط می‌شدند اما از دهه ۱۹۶۰ به بعد به تدریج هم‌خانگی در بین بیشتر طبقات و گروه‌های اجتماعی رواج یافت. شیوع روزافزون هم‌خانگی مشروعیت قانونی این روابط را در پی داشت. امروز در ۱۱ کشور اروپایی هم‌خانگی یک رابطه قانونی تلقی و از آن حمایت می‌شود. به‌طور مثال در آمریکا در دهه ۱۹۷۰، نزدیک به ۴۰۰ هزار زوج در قالب الگوهای هم‌خانگی زندگی می‌کردند اما این آمار در دهه ۱۹۸۰ به یک میلیون و ۵۰۰ هزار زوج رسید و در اواخر دهه ۱۹۹۰، از مرز ۴ میلیون گذشت. سال ۲۰۱۰ نیز بیش از ۷ میلیون زوج در آمریکا در قالب هم‌خانگی با هم زندگی می‌کردند.

در حال حاضر، در غرب معمولاً از ۲ نوع عده هم‌خانگی یاد می‌شود: «هم‌خانگی پیش از ازدواج» و «هم‌خانگی بعد از ازدواج». در گوی اول، افراد پیش از ازدواج برای رسیدن به شناخت و در راستای ازدواجی بهتر به صورت آزمایشی زندگی مشترک قبل از ازدواج را تجربه می‌کنند. عمر این روابط کوتاه است و معمولاً به فرزندآوری منتهی نمی‌شود. امروز در آمریکا، بسیاری از ازدواج‌ها با این نوع از روابط آغاز می‌شود. در الگوی دوم، هم‌خانگی اساساً ازدواج را به حاشیه رانده و جایگزین آن می‌شود. این نوع از



بررسی زمینه‌های شکل‌گیری پدیده «ازدواج سفید» در ایران

ازدواج در محضر مدرنیته

■ فاطمه حمزه‌لوی*

جامعه‌ای بدون خانواده و در نهایت بدون فرزند است که این خود نسیی شدن روابط خانوادگی و جنسی را می‌طلبد.

■ عوامل فرهنگی

در پی ورود لیبرالیسم اقتصادی از دهه ۱۳۷۰، لیبرالیسم اخلاقی نیز در ایران اشاعه یافت. از جمله هر چه بیشتر هم‌خانگی در کشورهای مرکز و جنوب اروپا و همچنین آمریکا، الگوهای هم‌خانگی پیش از ازدواج در این کشورها نیز به سرعت به پیمت الگوهای هم‌خانگی بدون ازدواج در حال تغییر است.

■ شکل‌گیری ازدواج سفید در ایران چندمرحله‌ای و ناشی از عوامل مختلف است
جامعه‌شناسان از جامعه ایران به عنوان جامعه‌ای در حال گذار یاد می‌کنند. مطالعه تحولات ایران، از تغییرات اجتماعی گسترده‌ای در سال‌های اخیر خبر می‌دهد. امروز، فاصله بین «بلوغ جنسی» و «بلوغ اقتصادی» در ایران به بیش از ۱۰ سال رسیده است. فاصله‌های که روز به روز در حال افزایش است و این در حالی است که ازدواج تنها راه مشروع برقراری رابطه جنسی در ایران است. راهی که موانع و مشکلات بسیاری در پیش دارد. این وضعیت، سبب ایجاد الگوهای جدید روابط جنسی در بین جوانان ایرانی شده است. از جمله روابط پیش از ازدواج، هر چند روابط پیش از ازدواج در ایران با انگیزه‌های گوناگون و در قالب الگوهای متفاوتی صورت می‌پذیرد. در این میان، یکی از افراطی‌ترین شکل‌های روابط پیش از ازدواج، پیدایش الگوی «ازدواج سفید» یا هم‌خانگی است که مطابق بررسی‌های انجام‌شده، در سال‌های اخیر، شاخه‌هایی از آن در کلانشهرهای ایران شکل گرفته است.

ساز و کار شکل‌گیری روابط هم‌خانگی پیچیده، دیالکتیکی و چندمرحله‌ای است و عوامل متعددی بر آن تأثیر می‌گذارد. آزاد ارمنی و همکاران(۱۳۹۱)، در پژوهشی به منظور بررسی زمینه‌ها و علل شکل‌گیری هم‌خانگی، با ۲۱ نفر از پسران و دختران ایرانی که مفهوم هم‌خانگی را تجربه کرده‌اند، مصاحبه کرده‌اند. طبق نتایج این پژوهش، عوامل اقتصادی(سرمایه‌داری و لیبرالیسم اقتصادی)، عوامل فرهنگی و لیبرالیسم اخلاقی، ورود عناصر نوسازی (رسانه‌ها و تکنولوژی‌های جدید) و تغییرات خانواده‌ها از جمله عواملی است که افراد را به سمت زندگی مشترک بدون ازدواج سوق می‌دهد.

■ عوامل اقتصادی

گسترش الگوهای اقتصاد سرمایه‌داری و لیبرالیسم اقتصادی در ایران، از جمله عوامل بسترساز آسیب‌های اجتماعی اخیر بوده است. روند خصوصی‌سازی، علاوه بر بیکاری سبب ایجاد مساله «نامنی‌شغلی» نیز شده است. لازمه ازدواج، داشتن حداقل استقلال اقتصادی و ثبات شغلی است. در حالی که امروز «فراردهای موقت»، این اختیار را به کارفرمایان می‌دهد که با کمترین هزینه کارمندان خود را از کار بیکار کنند. نامنی‌شغلی، مساله‌ای فراتر از بیکاری است و باعث ایجاد احساس اضطراب و عدم امنیت و اطمینان در افراد می‌شود. نامنی‌شغلی دردهای موقت در نظام سرمایه‌داری نیست که پس از استقرار و ثبات آن به تدریج برطرف شود، بلکه اساساً گسترش نامنی یکی از استراتژی‌های همیشگی نظام سرمایه‌داری است که کارکرد کنترل خودکار سیستم را به همراه دارد. به عبارتی اقتصاد سرمایه‌داری مبتنی بر نامنی‌فزاینده کارگر و نیروی کار است. این موضوع به عدم تمایل به ازدواج(به مثابه مسئولیتی بزرگ) و ترجیح روابط خارج از چارچوب که به هزینه، مسؤلیت و تعهد کمتری نیاز دارد منجر می‌شود. در حقیقت از آنجا که جهانی شدن در ابعاد اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد و گسترش بازارهای فراملی است، مستلزم وجود

تعارض بین واقعیت‌ها و ارزش‌ها، فشار روزافزونی به افراد وارد می‌کند. دوگانگی‌ای میان ذهنیت و عینیت شکل گرفته که به تدریج زمینه‌های پذیرش الگوهای جایگزینی چون هم‌خانگی را در جامعه فراهم کرده است.

از طرفی شکاف نسلی میان والدین و فرزندان ناشی از تغییرات ارزشی روی داده در سال‌های اخیر، سبب شده است کنترل خانواده‌ها بر ذهنیت و رفتار فرزندان مشکل شود.

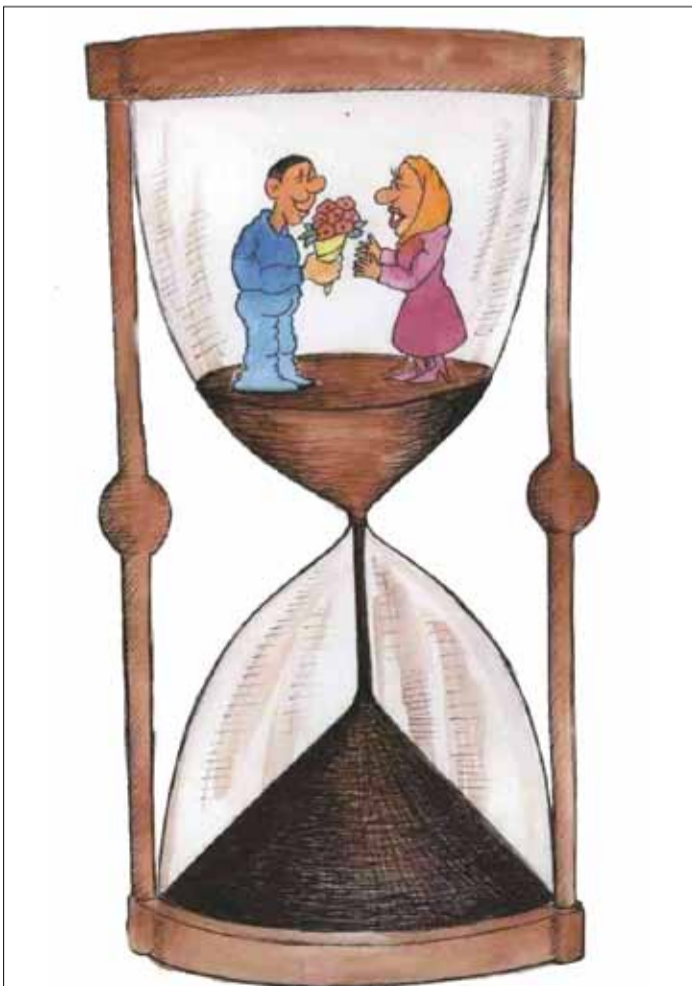
اگرچه اندیشمندان معتقدند خانواده در عصر جهانی شدن، به حیات خود ادامه خواهد داد و از بین نخواهد رفت اما در عین حال اذعان دارند در کنار خانواده سنتی، الگوهای جدید و در عین حال متنوع‌تری از روابط خانوادگی شکل خواهد گرفت. بر واضح در صورت ادامه روند فعلی در کشور و عدم اقدامات همه‌جانبه و اساسی در راستای حل مشکلات فرهنگی از جمله مشکل ازدواج جوانان، با گسترش متزاید ازدواج سفید و جایگزین شدن آن با ازدواج سنتی در بین جوانان مواجه خواهیم بود که این موضوع تبعات سنگین و بازگشت‌ناپذیری برای جامعه و خانواده در بر خواهد داشت.

ناپایداری ذاتی این روابط به جای احساس رضایت، تنش را در افراد افزایش می‌دهد. ترس از شناخته شدن و برچسب خوردن همواره موجی از احساس «عدم امنیت» را برای اینگونه افراد به ارمان می‌آورد و نامشروع بودن این ازدواج‌ها، به محدودیت کم‌رنگ شدن روابط اجتماعی و خانوادگی اکثریت این افراد منجر می‌شود. همچنین فشارها و پیامدهای این نوع از روابط، به دلایل متعدد برای دختران بیش از پسران است. علاوه بر این فشارها و تنش‌های روانی که عموماً افراد را درگیر می‌کند؛ مسائلی همچون تأخیر سن ازدواج، کاهش روزافزون نرخ ازدواج و کاهش تمایل به فرزندآوری تبعاتی است که در سطح اجتماعی رخ می‌دهد. از سوی دیگر، بارداری‌های احتمالی حاصل از این روابط به میزان تولد فرزندان نامشروع و بی‌شناسانه، سقط جنین‌های غیرقانونی و مرگ و میر ناشی از آن می‌افزاید. به این ترتیب مسائلی که امروز در جوامع غربی به یک بحران حل‌نشده تبدیل شده‌اند، جامعه ایرانی را به چالش خواهد کشید.

*** دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان**

منابع:

- آزاد ارمنی، تقی؛ شریفی‌ساعی، محمدحسین؛ ایناری، مریم و طالبی، سحر(۱۳۹۱). هم‌خانگی؛ پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران. **جامعه‌پژوهی فرهنگی**، سال ۲، شماره ۱، صص ۴۳-۷۷
- آزاد ارمنی، تقی؛ شریفی‌ساعی، محمدحسین؛ ایناری، مریم و طالبی، سحر(۱۳۹۰). **سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران. جامعه‌پژوهی فرهنگی**، سال ۲، شماره ۲، صص ۱-۳۴
- سگالان، مارتین(۱۳۷۰). **جامعه‌شناسی تاریخی خانواده**. نشر مرکز، چاپ اول، صص ۱۲۸-۱۶۶
- **فاصلی، نعمت‌الله(۱۳۸۳)**. **پیامدهای مدرنیته: تحلیلی بر تحولات خانواده‌ورفتار جنسی‌دربریتانیا- فصلنامه مطالعات جوانان**، بهار ۱۳۸۳، شماره ۶، صص ۱۷۱-۱۴۵
- **جوکار، محبوبه**. **گذری کوتاه بر مدرنیسم**. کتاب اندیشه‌های راهبردی زن و خانواده، صص ۸۹۸-۸۹۷



اشاره

زنان و مقام خلیفه الهی



نقیسه مشهدی‌نژاد: در پاسخ این سوال که «اگر انسان، «خلیفه‌الله» است و مقام انسانیت، منزه از جنسیت است پس چرا در بین مردان، افراد بیشتری به این مقام راه یافته‌اند ولی در بین زنان افراد کمتری به این مقام رسیده‌اند؟» باید گفت اولاً بسیاری از زنان هستند که فضایلشان در تاریخ ثبت نشده است. ثانیاً ذکر نام ۴ زن برگزیده در قرآن به‌معنای انحصار در ایشان نیست. ثالثاً اگر جامعه رشد داشته باشد، می‌کوشد امکانات ترقی و سعادت را در اختیار هر ۲ صنف قرار دهد و اگر عقب افتاده است نباید تحجر فکری جامعه را به پای مذهب نوشت، چراکه مذهب راه را برای هر دو صنف باز کرده و هیچ کمالی را مشروط به مردانگی نکرده است و اگر چند مورد کار اجرایی سنگین را بر دوش مرد نهاده است، یک تکلیف است نه امتیاز. قرآن همان‌گونه که در بدو پیدایش انسان، سخن را در محور خلافت شروع کرده است و خلافت، زن و مرد ندارد در پایان پیدایش و در انجام عالم نیز وقتی مساله «معاده»، «مواقف قیامت»، «برخ» و «حشر»، سوال و جواب و کتاب و توزیع اعمال و عبور از «صراط» و «کوثر» و مانند آن را مطرح می‌کند، هیچ‌گاه بین زن و مرد فرقی نمی‌گذارد و در همه این موارد زن و مرد با هم هستند.

دین برای زن، حساب خاصی قائل است. روایتی از امام جعفرصادق(ع) نقل شده که زن اگر خواست تسبیح بگوید یا انگشترانش بگوید: «فانین مسؤولات». شاید چنین دستوری درباره مرد نباشد که با انگشتر تسبیح بگوید؛ می‌فرماید زیرا این سرانگشتران در قیامت، مورد سوال واقع خواهند شد. این عنایتی از سوی خدا نسبت به زن است که با انگشتر خود عدد تسبیح را بشمارد تا انگشتر او نیز عبادت کند، آنگاه دیگر با این دست معصیت نمی‌کند. اسلام اصرار دارد که زن با تمام اعضای بدنش پند حق باشد و به همین دلیل او را چند سال قبل از مرد، مورد عنایت قرار داده و زودتر مکلف کرده است. بارگاہی را تصور کنید که بدون آذن ورود نمی‌توان در آن وارد شد. اگر در آن بارگاہ رفیع، زن را ۶ سال زودتر از مرد راه دهند معلوم می‌شود که زن پیش از مرد مورد عنایت صاحب بارگاہ قرار گرفته است. اگر از این شواهد، عظمت زن و برتری او نسبت به مرد را استنباط نکنیم لاقلاً بدیهی است که دین، عنایت خاصی به زن دارد. البته زنان باید موقعیت خود را درک کنند، چرا که دین صریحاً به مرد می‌گوید تو برو و ۶ سال دیگر هم بازی کن و بعد بیا، ولی زن را به حضور می‌پذیرد. مثل آنکه در مجمع علمی به کودکان نابالغ می‌گویند بروید بازی کنید، اینجا جای شما نیست اما بزرگ‌ترها را راه می‌دهند. آیا این برای آن است که زن ناقص است؟ یا برای آن است که زن ریحانه است و این گل فقط باید به دست باغبان باشد و باغبان این گل فقط خداوند است.

زنانی که دارای ذوق عرفانی بوده‌اند و آن ذوق توسط اسلام شکوفا شده و جملات و کلمات بلند عرفانی بیان کرده یا اشعار ارزشمندی سروده‌اند، در تاریخ فراوان است که از آن جمله می‌توان از رابعه شامیه، رابعه بصریه‌عدویه و رابعه دختر اسماعیل نام برد. در شرح حال رابعه دختر اسماعیل آمده که وقتی حالی به او دست می‌داد، اهل بهشت را می‌دید و می‌گفت: «رأیت أهل الجنة یندهون و یچیون و ربما رأیت حورالعین یستترن منی بأکملمهن».

و همان‌طوری که گاهی مردان به جایی می‌رسند که خود را از ائمه(ع) مستور می‌دارند، همچنین بعضی فرشته‌ها به جایی می‌رسند که خود را از اولیای الهی که مردند می‌پوشانند، زنان نیز گاهی به جایی می‌رسند که حوری‌ها خود را از آنها می‌پوشانند. زنان بهشتی از حوری‌ها بالاترند و این پایگاه واقعی زن است. اگر کسی توهم کند که بعضی محدودیت‌های اجرایی نمی‌گذارد زن به این پایگاه‌های برتر برسد، توهمی بیهوده است.

بخشی از مقاله گزارش کتاب «زن در آینه جلال و جمال» علامه جوادی آملی